

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Historical

تاریخی

موسوی

۱۲.۱۲.۰۸

## "شورای انقلابی" و یا "کانون جانیان و خایان"

به جای مقدمه:

با یک نظر اجمالی به تاریخ افغانستان معاصر به وضاحت مشاهده می شود که هیچ نهاد قدرتی در افغانستان وجود نداشته که در فاصله زمانی کوتاهی "۱۴ سال" اینهمه جنایت را مرتکب و به چنان خیانت هائی دست یازیده باشد، که به اصطلاح "شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان" بدان دست یازیده است، مگر با وجود چنان نقش جنایتکارانه و خایانه اش تا هنوز هیچ یک از نویسندگان و مؤرخین به ویژه آنهاییکه از درون با قضایا آشنائی داشته و یا حتا دستی در کار داشتند، پا پیش نگذاشته تا بر رویت اسناد طومار ننگین این نهاد ضد انسانی را از هم بکشاید و مردم را در جریان وقایع تاریخی افغانستان آن طوری که بوده قرار دهد.

به نظر این قلم یکی از افرادی که تا اندازه ای از دید تاریخ نگاری و شرکت عملی شان در این نهاد آدمخوار، صلاحیت پرداختن به آنرا داشت؛ کاندیدای آکادمیسین آقای "سیستانی" بود. بر همین مبنا این قلم چندین بار از ایشان تقاضا نموده ام تا اولتر از همه به کاری دست یازد که دیگران چون من نوعی روی دلایل متعددی از انجام آن عاجزیم؛ حتا وعده کمک از جانب خود نیز داده آمادگی خویش را در تهیه مواد لازم در زمینه ابراز داشتیم. مگر با تأسف ایشان به این پیشنهاد به علاوه آن که جواب مثبت ندادند، حاضر نبودند بیشتر در مورد بشنوند. به خصوص وقتی این قلم در رابطه با بقایای باند های خلق و پرچم با صراحت مواد سه گانه نسبت به افراد آنرا مطرح نمودم و در آنجا در اولین ماده طرح "به پاسخگویی کشانیدن تمام آنهاست که در مقامات تصمیم گیرنده حزبی و دولتی از دفتر سیاسی حزب تا شورا های ولایتی و از شورا های انقلابی تا مجالس ولایتی، به کار اشتغال داشتند" به میان کشیده شد، آقای سیستانی بدون آنکه از خود یاددهانی نمایند پای دفاع از افراد مشخصی را به میان کشیدند که اکنون در سایت "افغان جرمن" قلم زده سابقه خلقی ویا پرچمی داشتند. ایشان می خواستند شناخت شخصی شان اعتبار داده شده موضع گیری در قبال آن افراد را نرمتر گردانند. در حالی که موضع گیری این قلم و سایر افراد پورتال بر مبنای اهداف نشراتی ما کاملاً روشن بود. ما از ایشان می خواستیم تا به مثابه نخستین گام به طرف مردم، داشته ها و معلومات شان را از جنایات حزب، زنده به گور کردنها، قبر های دسته جمعی و هزاران جنایت دیگری که طی حاکمیت مزدوران روس بر مردم ما رفته بیان داشته، بدین سان صداقت شان را در امر بریدن از گذشته نکبت بار شان به اثبات برسانند. نمی دانم که انجام چنین عملی از طرف ایشان بنا بر محظورات سیاسی امکان پذیر نبود و یا این که عادت نکرده اند با تحلیل مشخص خودشان نسبت به یک مسأله تاریخی برخورد نمایند و در عوض خوشحالند که با سر هم بندی نوشته های دیگران و الفت دادن اجباری چیزی را تهیه نمایند و کاری به کار تحلیل و ارزیابی مستقل نداشته باشند.

در هر صورت حال که ایشان این منت را بر ما نگذاشتند و چیزی به صورت مستقل در رابطه با "شورای انقلابی" به جامعه تقدیم ننمودند، می گویم شخصاً این کار را انجام دهم. مطمئن هستم کارم عاری از نقص و کمبود نیست، چه همانطوری که بعداً خواهیم دید نتنها اسناد دست اولی از قضیه در دست نیست و کتابی در آن باره وجود ندارد تا با تکیه بر آن ماهیت ضد انسانی آن شگافته گردد، خوشبختانه نه خود عضویت چنان یک نهاد ننگین را داشته ام و نه هم در طیف آنهایی که می شناسم با کسی از آن لجن در تماس هستم تا به مثابه منبع معلومات از وی استفاده نمایم، به ناگزیر نوشته حاضر خالی از نقصان نخواهد بود. لذا از تمام آنهایی که در این زمینه معلومات دست اول دارند به خصوص کاندید آکادمیسین آقای سیستانی صمیمانه توقع دارم تا با بیرون دادن خاطرات ویا اسناد لازم به تکمیل، تصحیح ویا رد

این نوشته اقدام نموده، مرا ممنون سازند. علت تقاضای مشخص از آقای "سیستانی" بیش از یک دهه عضویت شان در آن مرداب خیانت و جنایت می باشد.

### شورای انقلابی از تولد تا مرگ:

همان طوری که قبلاً نیز اشاره نمودم با تمام اهمیتی که "شورای انقلابی" در روند زندگی مردم ما و نابودی کشور ما داشته کمتر مؤرخانی تا حال حاضر شده در این مورد چیزی تقدیم تاریخ کشور نماید. این سکوت چنان عمیق و همگانی است که گمان می رود به صورت سازمانیافته احاد به اصطلاح "حزب دموکراتیک خلق افغانستان" اجازه ندارند به این قلمرو داخل گردند و هر یک به اشکال مختلف باید از طرح آن طفره برونند. از جمله در تمام نوشته هائی که جانین دیروزی و قلم به دستان امروزی مثل دستگیر پنجشیری، نبی عظیمی، فقیر ودان، سیستانی و قدوس غوربندی که برخی ها به نسبت عضویت در آن و برخی دیگر به خاطر قرب رابطه با اعضای آن همیشه می توانستند در زمینه معلومات ارائه دارند باچنان یک اشاره مختصر از این کانون جلاخان گذشته اند، تو گویی اصلاً چنین نهادی در افغانستان وجود خارجی نداشته و اگر هم داشته، از اهمیت یاددهانی برخوردار نبوده است. چنانچه جلال پرچی می نویسد: "سر انجام در اول ماه می خیر انتقال قدرت از شورای نظامی، به شورای انقلابی پخش گردید و ... (۱) در جای دیگری می نویسد: "در اولین روز ها کمیته مرکزی جدید و شورای انقلابی جدید که در ترکیب آن سران حزب پرچم اکثریت داشتند به وجود آمد." (۲) و باز هم چند صفحه بعد تر می نویسد: "هنوز روزی نگذشته بود که به چهلستون دعوت گردیدم و در جلسه شورای انقلابی به حیث عضو شورای انقلابی ج.د.ا. عضویت یافتم" (۳)

به همین سان عضو دیگر "شورای انقلابی" سیستانی می نویسد: "در اول ماه می خیر انتقال قدرت از شورای انقلابی نظامی به شورای انقلابی پخش گردید" (۴)

گذشته از عناصر خلقی - پرچی کسانی دیگری هم که از طیف های دیگر جامعه برخاسته و به صورت علنی با مزدوران روس ارتباط نداشتند چون آقایان "حق شناس، عبدالحمید مبارز، فرهنگ و عبدالحق مجددی" که هر یک کتاب هایی با ضخامت بیشتر از ۵۰۰ صفحه آنها در چندین جلد تحریر داشته اند، چنان گذرا از این "کانون جنایت" گذشته اند که در مقایسه با نقش ویرانگرانه و خونبار تاریخی آن مثل آن است که نزد آنها هیچ وجود خارجی نداشته است از جمله آقای "میر محمد صدیق فرهنگ" در جلد دوم کتاب سه جلدی اش که جمعاً بیش از ۱۵۰۰ صفحه می شود چنین می نویسد: "در اول [ماه] می، خبر انتقال قدرت از شورای نظامی انقلابی به شورای انقلابی پخش گردیده، ... (۵) - امید است خوانندگان متوجه شده باشند که این اکادمیسین های نام نهاد حتماً در نقل نام یک نهاد نیز امانت لازم را ندارند - در نتیجه می توان گفت از مجموع آنهایی که خواسته اند در رابطه با سه دهه اخیر چیزی تحریر دارند به غیر از یکی از جنایتکاران بنام پرچم "سلطان علی کشتمند" دیگران همه به شکلی از اشکال از طرح آن طفره رفته اند، علت این طفره روی را به غیر از آنکه خود بیان دارند کس دیگری به صورت قاطع نمی تواند بیان دارد؛ به مثابه گمان شاید بتوان گفت که همه سردمداران رژیم آگاهانه و به خاطر کتمان دستان خون آلود شان نخواستند در آن باره چیزی بنویسند، در حالی که برای سایرین نیز که عادت کرده اند فقط جویده دیگران را قورت دهند، درک اهمیت مسأله اگر هم مقدر بوده آنرا درد سر دار تر از آن می دانستند که خود را بدان مشغول سازند.

بدر نظر داشت همین مشکلی که در فوق از آن تذکار به عمل آمد به ناگزیر بیشترین توجه خویش را به کتاب سه جلدی "کشتمند" زیر نام "یادداشتهای سیاسی و رویدادهای تاریخی" معطوف می سازم باشد اندکی روشنی در زمینه انداخته باشم.

"سلطان علی کشتمند" که در دنانت و آدمکشی "ببرک کارمل" را معاون بود واز همین رو سالها به حیث "معاون شورای انقلابی" به کشتار خلق افغانستان اشتغال داشت در رابطه با ماشین کشتار و کانون جنایت چنین می نویسد: "روز نهم ثور (۲۹ اپریل) از صبح، اعضای بیروی سیاسی در جایگاه وزارت دفاع افغانستان، در مقابل ارگ، در اتاق وزیر گرد آمدند. جلسه دایر گردید و پیشنهادی از جانب عبدالقادر به جلسه ارائه شد مبنی بر اینکه: برای مدتی تا استقرار کامل وضع، حزب باید در سایه باقی بماند و چهره نگشاید و رهبری دولت برعهده یی شورای نظامی و نظامیان قرار بگیرد. طرح این مسأله مانند آب سردی بود که بر آتش اشتیاق بعضیها برای رسیدن به مقامات پاشیده شده باشد. برای لحظات معینی کرختی سرتاپای جلسه را فراگرفت. سپس نورمحمد تره کی آغاز به سخن کرد و با نشان دادن واکنش شدید در سیما و حرف خویش پیشنهاد را رد کرد. بقرار معلوم این پیشنهاد قبلاً بوسیله حفیظ الله امین با وی به نحو خصوصی مطرح شده بود، ولی آنگاه نیز آنرا و به شدت رد گردیده بود. کارمل نیز از طرح چنین پیشنهادی از قول تره کی، آگاهی قبلی داشت.

حفیظ الله امین که در جلسه بیروی سیاسی دعوت شده بود، پافشاری مینمود که قدرت دولتی را باید شورای نظامی و شخص او در رأس آن، تمثیل نماید و اکثریت وزراء نظامی باشند تا انقلاب به پیروزی کامل برسد و در نیمه راه از حرکت باز نماند. هدف وی قبضه کردن کامل قدرت از همان نخستین روز بود. ولی اکثریت قاطع بیروی سیاسی با این پیشنهاد مخالفت کردند. طرح های دیگری نیز پیشنهاد شد واز جمله ببرک کارمل و همنظران وی از جمله اینجانب معتقد بودند که یک اداره موقتاً غیر نظامی تشکیل گردد و سپس جای آنرا یک حکومت دموکراتیک انتقالی بگیرد. نورمحمد تره کی و جانبداران وی از تشکیل شورای انقلابی متشکل از رهبران حزبی و البته خود در رأس آن پشتیبانی می کردند. پس از بحث های بیهوده و مشاجرات زیاد، سر انجام طرح تشکیل شورای انقلابی با اشتراک رهبران حزبی

ونظامی بحیث وجه المصالحة پذیرفته شد و مورد تصویب قرار گرفت." (۶) - اشتباهات املائی قصداً تصحیح نگردیده است -

در دوام مطلب بعد از بحث های دیگر باز هم می افزاید:

" شورای انقلابی بالنسبه به سادگی تشکیل گردید. ترکیب آنرا جمعاً تمام اعضای کمیته مرکزی حزب وافزون برآن یکتعداد از نظامیان که در قیام دست اول شمرده می شدند، متشکل از ۳۵ تن واز جمله ۵ تن نمایندگان قوای مسلح تشکیل می داد. باینقرار نظامیان در ساختار قدرت سهیم شدند ...." (۷) - اشتباهات املائی قصداً تصحیح نشده اند - به تعقیب در صفحه بعد می نویسد:

« بنابراین، اعلامیه زیرین ترتیب و مورد تصویب قرار گرفت که بساعت ۹ شام ۲۹ اپریل از طریق رادیو اعلام گردید: "عادی شدن اوضاع در کشور امکان تحقق شکل ملکی اداره در کشور را بوجود آورده است. بنابراین شورای نظامی - انقلابی قوای مسلح اعلام می دارد که تمام صلاحیتهای خویش را به شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان که تازه تشکیل شده است، واگذار میگردد"» (۸) - اشتباهات املائی قصداً تصحیح نشده اند - در اخیر همین صفحه "کشتمند" می افزاید:

"شورای انقلابی در نخستین جلسه خویش به روز ۳۰ اپریل ۱۹۷۸ نور محمد تره کی منشی عمومی کمیته مرکزی ح د خ ا را بحیث رئیس شورای انقلابی و صدراعظم و ببرک کارمل را بحیث معاون شورای انقلابی و معاون صدراعظم انتخاب نمود (فرمان شماره ۱) " (۹) - اشتباهات املائی قصداً تصحیح نشده اند - کشتمند بار دیگر حدود ۳۰۰ صفحه بعد تر که افغانستان به وسیله ارتش سرخ اشغال شده است باز هم به شورای انقلابی برگشته می نویسد:

"نخستین مسأله، رسمیت بخشیدن وقانونی ساختن هیأت رهبری حزبی، وحدت مجدد جناح های دوگانه حزب وانتصابات در مقامات حزبی ودولتی بود. نخست جلسه کمیته مرکزی حزب و سپس جلسه شورای انقلابی با اشتراک آئنده از اعضای سابق که حاضر و موافق به تحولات جدید بودند، در قصر چهلستون دایر گردید...." (۱۰)

نامبرده در دوام مطلب چند صفحه بعد چنین می نویسد:

"اعضای کمیته مرکزی متشکل از ۳۶ تن و اعضای علی البدل آن متشکل از ۸ تن بودند که اعلام گردیدند. اعضای شورای انقلابی متشکل از ۵۸ تن و هیأت رئیسه آن مشتمل بر ۷ تن اعلام گردید. در این جلسه مشترک فیصله به عمل آمد که مطابق به موازین اساسنامه حزب ویر حسب شایستگی در شرایط لازم، کمیته مرکزی، بیروی سیاسی و دارالانشاء آن وهمچنان شورای انقلابی با انتخاب وانتصاب اعضای جدید توسعه یابند.

...

در جلسه مشترک هیأت رئیسه شورای انقلابی و حکومت ج د ا به تاریخ ۳۱ دسمبر ۱۹۷۹ اعضای جدید حکومت با حفظ اغضای قبلی، به قرار زیر تعیین واعلام گردید...." (۱۱)

سر انجام بعد از تذکر تحولات چند که شامل استعفای "ببرک کارمل" وتقرر "حاجی محمد چمکنی" به حیث "کفیل رئیس شورای انقلابی می باشد چنین ادامه می دهد:

"نجیب الله در آغاز، حاجی محمد چمکنی، یکتن از سران قبایل پکتیا را بعنوان کفیل رئیس شورای انقلابی برگزید. وی که غیر حزبی بود، از تاریخ ۲۰ نومبر ۱۹۸۶ تا تاریخ ۳۰ سپتمبر ۱۹۸۷ در این مقام کار کرد. پس از آن، دوکتور نجیب الله بجای وی بعنوان رئیس شورای انقلابی اعلام گردید وحاجی محمد چمکنی بحیث معاون شورای انقلابی برگزیده شد. نجیب الله بزودی از سوی لویه جرگه مؤرخ ۲۹ و ۳۰ نومبر ۱۹۸۷ بعنوان رئیس جمهوری افغانستان انتخاب گردید...." (۱۲) - باز هم اشتباهات املائی اصلاح نشده است -

از آنجایی که بعد از این در هیچ مورد دیگری از "شورای انقلابی" نامی به میان نمی آید وفیصله خاصی هم از نهاد های دولت مزدور به دستم نرسیده تا دلالت به لغو آن کرده بتواند، می توان حدس زد که آن کانون جنایت وخیانت ضمن یکنوع اضمحلال درونی، با سقوط حاکمیت نجیب خاتمه یافته باشد.

ادامه دارد

مأخذ:

- ۱ - نبی عظیمی - اردو وسیاست در سه دهه اخیر (جلد اول ودوم در یک جلد) - چاپ سوم - نشر مرکز نشراتی میوند - صفحه ۱۴۹
- ۲ - همان کتاب - صفحه ۲۲۷
- ۳ - همان کتاب - صفحه ۲۳۱
- ۴ - کاندیدای آکادمیسین محمد اعظم سیستانی - مقدمه بی بر کودتای ثور وپیامد های آن در افغانستان - چاپ دوم - ناشر، اداره دارالنشر افغانستان - صفحه ۸۷
- ۵ - میر محمد صدیق فرهنگ - افغانستان در پنج قرن اخیر - در سه جلد مکمل - جلد دوم صفحه ۸۲
- ۶ - سلطان علی کشتمند - یادداشتهای سیاسی ورویدادهای تاریخی - چاپ دوم - بنگاه انتشارات میوند - جلد اول ودوم - صفحه ۳۵۰ - ۳۵۱

- ۷ - همان کتاب - جلد اول و دوم - صفحه ۳۵۲
- ۸ - همان کتاب - جلد اول و دوم - ۳۵۳
- ۹ - همان کتاب - جلد اول و دوم - ۳۵۳
- ۱۰ - همان کتاب - جلد سوم - صفحه ۶۳۱
- ۱۱ - همان کتاب - جلد سوم - صفحه ۶۳۷
- ۱۲ - همان کتاب - جلد سوم - صفحه ۹۸۵